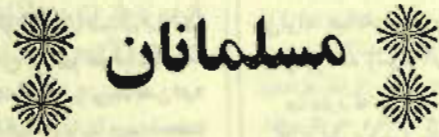


افسانه کتاب سوزی



مسلمانان

ده دلیل بر معمول بودن این شایعه که بعد از جنگهای صلیبی و آتش زدن کتابخانه‌ها وسیله صلیبیون ساخته و پرداخته شده است.

اسکندر به نهم نموده اند ولی این اتهام حتی بر سبیل بعضی از خود مستشرقین نیز مردود شناخته شده است (۳) مهم ترین دلیل‌هایی که این اتهام را طرد می نماید عبارت است از:

۱ - این اتهام برای اولین بار پس از باوند و اندی سال الفتح مصر عنوان شد. اولین کسی که این مطلب را عنوان نمود «عبد اللطیف بغدادی» مورخ و ماهر «صلاح الدین ایوبی» در کتاب «الموعظة والاعتبار» بود و مورخین دیگر چون «قفطی» مؤلف «تاریخ الحکماء» و «ابن العبری» (ابو الفرج) مؤلف «تاریخ الدول» این مطلب را گرفته به نقل آن پرداخته اند.

ذکر دقیق و مفصل آمار کتابهای کتابخانه‌هایی که در سراسر جهان اسلام در قرون و ادوار مختلف پراکنده بوده است از گنجایش هر کتابی خارج است؛ فهرست‌های این کتب و کتابخانه‌ها خود مجموعه‌های مفصلی را تشکیل داده است اینک با توجه به اهمیت کتاب، کتابت، کتابخانه، علم، تعلیم، تعلم و مراکز علمی در اسلام می‌توان به کذب بعضی از شایعات پی برد:

لازم است یادآوری شود که بعضی از مستشرقین برای استار حساسات علمی فحاشی که اروپا و مسیحیت به اسلام در جنگ‌های صلیبی (۱) و در اسپانیا وارد آوردند (۲) مسلمانان را به سوزاندن کتابخانه

(۱) این اتهام برای جریان سرکشگی صلیبیون به علت سوزاندن کتابخانه طرابلس شام که در ۱۰۰۹ ساخته شده بود صورت گرفت (مجموعه مآثر حماده، المکتبات فی الاسلام ص ۲۴).

(۲) مسائل العمالک ص ۹۳

(۳) ثلث الح - الفرد: فتح مصر بوسیله عرب. ترجمه به عربی به وسیله فرید ابوخلید. چاپ دوم قاهره ۱۹۲۶ م ص ۲۹۲-۳۱۲.

مکتب اسلام

۲ - داستان سوختن کتابخانه اسکندر به ساحتی است که چهار هزار حمام اسکندریه را مدت شش ماه یا این کتاب‌ها سوزانند. وجود چهار هزار حمام در اسکندریه و وجود تعداد کافی کتاب در کتابخانه اسکندریه برای گرم کردن این حمام‌ها به مدت شش ماه هر دو تهامی تواند افسانه باشد نه حقیقت!

۳ - غالب اینکه کتب قبل از اسلام و همچنین کتابهای کتابخانه اسکندریه از سنگ ورق بودند و اساساً قابلیت سوختن نداشتند!

۴ - در داستان آمده است که پس از فتح اسکندریه در ۳۴۲ ق م یوحنا نحوی یکی از علما و منطقیون (۴) حوزه اسکندریه نزد عمرو بن العاص فاتح اسکندریه آمد و از وی اجازه استفاده از کتب کتابخانه را نمود در این موقع عمرو بن العاص «از خلیفه (عمر) در مدینه در این مورد استفسار کرد تا آخر...

در خالیکه نحوی که کتاب یونانی و یقه فیلیپو نوس» بود مدتها قبل از فتح مصر و وات کرده بود و در آن زمان وجود خارجی نداشت زیرا در قید حیات نبود (۵)

۵ - اگر این کتابخانه به دست مسلمانان سوخته شده بود مورخین اسلامی به آن کتابها دست نمی- یافتند و مثلاً دابن الندیم نمی‌توانست تعداد زیادی این کتابها را در فهرست نام برد (۶) بسیاری از مورخان اسلامی متفق‌القولند که در عصر یونانی متاخر و اسکندریه مقدار زیادی از حواص کتبهای

طنبی مانند مجموعه‌های از شانزده کتاب از آثار جالینوس (سنه عشر) و بعضی از کتب بقراط ترتیب یافت که نام آنها را «ابن الندیم» و «الفطلی» و «ابن ابی- اصیبه» آورده اند. هر یک از این حواص! کتاب واحدی شمرده می‌شود و ه آنها برای متعلمین ترتیب می‌یافت این مطلب تقریباً مورد اتفاق دانشمندان است که اولین کتابهایی که به عربی ترجمه شد از کتب کتابخانه اسکندریه بود اولین مترجم به زبان عربی دانشمند معروف «اصطغان اسکندرانی» از حوزه اسکندریه بود (۷) و تعداد کتبی که از حوزه اسکندریه به عربی ترجمه شد بیه جهان اسلام راه یافت متعدد است.

۶ - مورخین قرون صدر اسلام از این داستان چیزی نگفته‌اند در صورتی که اگر این حادثه اتفاق افتاده بود مورخین قرن هشتم آنرا یاد آور می‌شدند. ۷ - در موقع محاصره و تسلیم اسکندریه فرمانروای آنجا عهدنامه‌ای را با نائین مسلمان امضاء نمود که بر اساس آن سکه اسکندریه حین داشتند در مدت بازده ماه از تاریخ انعقاد قرار داد تا ورود فاتحین به اسکندریه حق نقل و انتقال اموال خود را از اسکندریه داشته باشند و بنا بر این می‌توانستند در این مدت کتابخانه را بجای دیگر منتقل نمایند.

۸ - داستان سوختن کتابخانه اسکندریه شباهت فراوان به داستان سوختن کتابخانه فارس در ایران

- (۵) ۱۰۵۴) ثلث الح - الفرد: فتح مصر بوسیله عرب. ترجمه به عربی به وسیله فرید ابوخلید. چاپ دوم قاهره ۱۹۲۶ م ص ۲۹۲-۳۱۲
- (۶) ذیح‌الحمات: تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی ص ۷ چاپ سوم دانشگاه تهران
- (۷) ابن الندیم: الفهرست: چاپ مصر ص ۴۳۰.

دارد و از آنجا که این داستان نیز بنوبه خود از مجموعه‌لات است، مجعول بودن داستان سوزانیدن کتابخانه اسکندریه را نیز می‌نماید (۸)

۹- حوزه اسکندریه تا یکصد سال پس از اسلام به فعالیت خود ادامه داد و این ادامه فعالیت علمی حکایت از استمرار فعالیت این حوزه در دوره اسلامی دارد و نشان می‌دهد که نه تنها مسلمانان حوزه علمی اسکندریه را نابود نمودند بلکه این مراکز علمی مورد توجه نیز بود. ۱۰- عدم توافق و هماهنگی این داستان با روح علمی اسلام که همواره به کتاب، کتابخانه و علم و علما احترام می‌گذارد.

بررسی مختصر قرآن نشان می‌دهد که توجه به علم و علما و تعظیم و تعلم مورد توجه و تأکید خاصی بوده است و همچنین بررسی احادیث و اصولاً سنت اسلام حکایت از توجه عمیق، مستمر، و وسیع اسلام به علم و عالم و تعلیم و تعلم دارد. این روح هرگز نمی‌توانست اجازه دهد که مسلمانان با کتاب و کتابخانه همان رفتاری را نمایند که مثلا مغول با عالم اسلام و یا مسیحیت با اسلام و علوم اسلامی در اسپانیا نمود (۹)

از آن چه گفته شد می‌توان استفاده نمود که یک سلسله شایعات و اتهامات از انواع مختلف بعد از قرن ششم هجری و پس از شکست صلیبون در جنگهای صلیبی و آتش زدن کتابخانه‌ها و پس از غروب اسلام در اندلس و ویران شدن مراکز علمی؛ مساجد و کتابخانه‌ها بدست مسیحیان نسبت به اسلام رواج یافت که از جمله شایعه سوزاندن کتابهای ایران و اسکندریه بدست عرب و مسلمین است که بقول یکی از محققین ماخذ معتبر و اساسی قدیمتر نداشته و ظاهراً ماخذ قبل از قرن ششم هجری ندارد. این موضوع نیز مانند صدها منبذلات جاری در اوامه است که قرنها مثل مسلمات نقل و تکرار شده و کمتر کسی در مقام تحقیق اساسی آنها برآمده تا ماخذ اصلی را بدست آورد و دست و موهوم یا مجعول بودن آنها را کشف نماید. (۱۰) و بعضی از فرادینز بعزت اعراض خاصی که داشته‌اند بدون تحقیق به تکرار آنها مبادرت نموده‌اند و دلیل قانع کننده‌ای برای اثبات نظر خود ندارند (۱۱) (نقل و تلخیص از مجله نگین شماره ۱۵ سال دهم)

(۸) در مورد جعلی بودن داستان سوزن کتابخانه فارس ایران رجوع شود به «تاریخ علوم» تقی‌زاده. (۹) موضوع علاقه مسلمانان به کتاب و در نتیجه تأسیس کتابخانه‌های مختلف و متنوع بوسیله مسلمانان مطلبی است که کتابهای متعدد درباره آن نوشته شده است و بهتر است برای بررسی مفصل آن رجوع شود به: محمد ماهر حماده؛ «المکتبات فی الاسلام»؛ موسسه الرساله - ۱۹۷۰ م. درس مالدین کتب و کتابخانه‌های عربی در عهد اموی در مجله آمریکائی زبان و ادبیات سامی شماره ۵۲ (نموز ۱۹۳۶).

(۱۰) سید حسن تقی‌زاده، تاریخ علوم؛ فصل اول، در مقالات و بررسیها؛ نشریه دانشکده الهیات دفتر دوم ۱۳۲۹.

(۱۱) ذبیح‌الله صفا؛ تاریخ علوم طبری در تمدن اسلامی چاپ سوم ص ۲۳.

مکتب اسلام